

جنگی که فرومیخواهد و جنگی که سر بلند میکند!

حمید تقوایی، صفحه ۲



بحران معیشت و چشم انداز یک دگرگونی اجتماعی

شهلا دانشفر، صفحه ۳

جایگاه حزب کمونیست کارگری در اعتراضات اجتماعی علیه حکومت - مهران محبی صفحه ۶

گسترش کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به ۶۰ زندان، اعتراضات گسترده کادر درمان و تجمع شبانه مردم سندج علیه اعدام صفحه ۷

جمهوری جنایتکار اسلامی یک معترض دیگر را اعدام کرد! صفحه ۸

اعتراض کارگران پتروشیمی و پرستاران دانشگاه علوم پزشکی نیشابور صفحه ۹

دو تجمع اعتراضی علیه اعدام در دزفول و خرم آباد برای مقابله با اعدام دو زندانی صفحه ۹

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات و فولاد و ذوب آهن اصفهان صفحه ۴

مدیای اجتماعی

چهارمین سالگرد قیام مهسا بر متن "زن زندگی آزادی"، صفحه ۱۰

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات و فولاد و ذوب آهن اصفهان، صفحه ۱۱

چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میداریم
کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)، صفحه ۱۲

مهسا امینی"، تیغ چشم نابودگران زندگی، صفحه ۱۳

بیانیه ائتلاف فعالان و رسانه‌های دانشجویی در مخالفت با اعدام، صفحه ۱۴

فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران برای امضای پتیشن، صفحه ۱۴

"طرح مقابله با نفوذ بیگانگان" و یا امنیتی کردن زندگی شهروندان!، صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۵۰

۲ شهریور ۱۴۰۵

۲۴ اوت ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

سنگر فرهنگ اسلامی فرو
ریخته است - مهران محبی
صفحه ۵

تجمع و راهپیمایی
بازنشستگان فولاد و ذوب
آهن در اصفهان
صفحه ۸

نه به قصاص و اعدام
کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
صفحه ۱۳

لغو مجازات اعدام در
لبنان، درخشش بارقه امید
پیروزی #نه_به_اعدام در
ایران
صفحه ۱۴



بر آن سایه انداخته بود را هر چه بیشتر عریان کرده و رژیم را بیش از پیش در منگنه قرار داده است. این روند در ادامه خود بحران بقای حکومت را حادثر خواهد کرد.

مساله رابطه با غرب همیشه برای حکومت یک پارادوکس باخت باخت بوده است و امروز بیش از هر زمان دیگری چنین است. تعامل باغرب ممکن است برای حکومت وقت بیشتری بخرد ولی هویت و اصل وجودی آنرا بزیر سؤال میبرد و از این نقطه نظر رژیم را با یک بحران عمیق هویتی و استراتژیک مواجه میکند. از سوی دیگر تداوم تقابل با غرب و سیاست آمریکا و اسرائیل ستیزی گرچه انسجام هویتی-ایدئولوژیک رژیم را بویژه در جنبش اسلام سیاسی حفظ میکند اما تلاشی کامل اقتصادی حکومت را بدنبال خواهد داشت. این پارادوکس برای حکومت یک وضعیت متناقض و کشمکش داخلی بی پایانی را ایجاد کرده است که گرچه امری قدیمی است اما جنگهای یکسال اخیر و شرایط جنگی حاضر آنرا به مرحله نهانی رسانده است. مساله باید یکسره شود و این توده مردم ایران هستند که تعیین تکلیف خواهند کرد. رابطه غرب با رژیم را نیز نهایتاً جنگ مردم با حکومت تعیین خواهد کرد اما مساله محوری تقابل مردم با حکومت ربط چندانی به رابطه غرب با حکومت ندارد. مردم از فقر و بی امکاناتی و شرایط معیشتی که هر روز وخیم تر میشود به ستوه آمده اند اما محور رابطه جامعه با حکومت را نه رابطه رژیم با غرب و یا شرایط اقتصادی بلکه سیاستهای سرکوبگرانه و ضد انسانی حکومت واز جمله و بویژه کشتار و نسلکشی دیمه تشکیل میدهد.

گرچه کشتار مردم بوسیله حکومت چه در خیابانها و چه در زندانها و چه بر چوبه دار سابقه ای به قدمت عمر ننگین حکومت دارد اما کشتار دیمه سطح تازه و بیسابقه ای از جنایت و توحش بود. توحش و جنایتی چنان عظیم و مهیب که اعتراف به کشتار ۳۰۰۰ نفر در عرض ۴۸ ساعت در نظر مقامات تخفیف بحساب می آید! این کشتار نه تنها درهم کوبیدن جمهوری اسلامی بلکه محاکمه جانین حاکم را به امر بخش اعظم جامعه تبدیل کرده است. حتی اگر شیر و عسل در خیابانها روان شود مردم این کشتار را فراموش نخواهند کرد و از آن نخواهند گذشت. زخم و ترامای این جنایت تنها با سرنگونی و محاکمه جانین حاکم تسلی خواهد یافت. رابطه حکومت با غرب و آمریکا هر چه باشد و شرایط اقتصادی هر وضعیتی پیدا کند امر اساسی مردم تسویه حساب با قاتلین خود خواهد بود.

اجتماعات بازنشستگان، اعتراض دختران موتور سوار و جوانانی که در خیابانها میرقصند، و جنبش علیه اعدام که هر روز گسترده تر میشود، اولین طلایه های این تسویه حساب اجتماعی است. زمان آن فرارسیده است که در چهارمین سالگرد جنبش زن زندگی آزادی و با اتکا به دستاوردها و سرمایه مبارزاتی این جنبش، با تمام توان برای کرامت زن، پاسداشت زندگی و رسیدن به آزادی بمیدان بیائیم.

۱ شهریور ۱۴۰۵، ۲۳ اوت ۲۰۲۶

جنگی که فرومیخواهد و جنگی که سر بلند میکند!

حمید تقوایی

تشدید تحریمها و محاصره اقتصادی زندگی مردم را بیش از هر زمان و به شکل فزاینده ای تحت فشار قرار داده است. ریال هر روز بی ارزش تر میشود، تورم و گرانی بیداد میکند و مردم هر روز بیشتر توان تامین حتی ابتدائی ترین مایحتاج خود را از دست میدهند. بنا به گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا خط فقر در ایران به ۹۰ میلیون تومان رسیده است. این در حالی است که سطح متوسط دستمزد کارگر با احتساب همه مزایا به ۲۵ میلیون تومان نمیرسد. این شرایط چنان وضعیت غیر قابل تحملی را برای اکثریت مردم ایجاد کرده است که حتی قالیباف هشدار میدهد این وضع قابل ادامه نیست.

مقامات حکومتی معمولاً شرایط جنگی را موجب این وضعیت جلوه میدهند. اما بر همه روشن است که گرانی و تورم نجومی و بی آبی و بی برقی و بی تامینی اقتصادی با جنگ شروع نشده است. نه سقوط ارزش ریال حاصل شرایط جنگی است و نه تورم و گرانی و فلاکت اقتصادی. جنگ و شرایط جنگی بحران اقتصادی و فقر و فلاکت عمومی را تشدید کرده است، اما جنگ و تنش جنگی نیز خود حاصل سیاستهای غریبستیزانه جمهوری اسلامی است. فلاکت و گرانی و شرایط سخت معیشتی، همانند گسترش اعدامها و سرکوب و بازداشت و امنیتی شدن فضای جامعه، از پیامدهای جنگ نیست بلکه نتیجه سیاستهای حکومت به بهانه جنگ است. از جنگ دوازده روزه، که میتوانست با پذیرش شرایط ویتکاف از سوی رژیم اصلاً رخ ندهد، تا امروز که حکومت با بستن تنگه هرمز موجب تشدید تحریم و محاصره اقتصادی علیه خود شده است، این جمهوری اسلامی است که به جنگ و تنش و کشاکش جنگی دامن میزند. در پایه ای ترین سطح غرب ستیزی فوق ارتجاعی حکومت که امر هویتی اوست مایه و پایه شرایط جهنمی است که امروز به مردم تحمیل شده است.

مردمی که شعار میدهند جنگ افروزی را رها کن فکری بحال ما کن بر همین واقعیت تاکید میکنند. اولویت حکومت مانند همیشه پروار کردن نیروهای نظامی و انتظامی، بودجه نجومی برای نهادهای مذهبی و حمایت مالی از نیروهای تروریستی در منطقه است. در دل همین شرایط بنا به گزارش رسانه های حکومتی بیش از هفت هزار میلیارد تومان صرف مراسم جنازه گردانی و تدفین علی خامنه ای میشود، فولاد مبارکه بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان برای مراسم حکومتی اربعین و مصلاهی خمینی و نهادهای مذهبی در اصفهان صرف میکند، و در یک قلم یک میلیارد دلار به حزب الله لبنان کمک مالی میشود. این تنها نمونه های اعلام و افشا شده از اولویتهای مالی حکومت در شرایط جنگی است. این حکومت چپاولگر جمهوری اسلامی است که هم باعث و بانی جنگ و هم عامل مستقیم فقر و فلاکتی است که تلاش میکند آنرا نتیجه جنگ جلوه بدهد.

این شرایط قابل دوام نیست. همه مقامات حکومتی از هر دو جناح بخوبی میدانند که وقتی گرد و خاک جنگ فرو بخوابد، جنگ مردم علیه کل موجودیشان گسترده تر از قبل سر بلند خواهد کرد و این جنگ دیگر مذاکره و سازش بردار نیست. هم اکنون وضعیت نه جنگ نه مذاکره فعلی و سیاست تشدید و تحریم و محاصره اقتصادی دولت آمریکا، بحران و بن بست و تلاشی اقتصادی که جنگ و تنش جنگی

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

بحران معیشت و چشم انداز یک دگرگونی اجتماعی

شهلا دانشفر



فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی و بن‌بست کامل آن، امروز جامعه را با بحرانی عمیق و گسترده در عرصه معیشت روبه‌رو کرده است.

بحران اقتصادی جمهوری اسلامی که امروز به روندی از فروپاشی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده و جامعه را از روال عادی خود خارج کرده است، همان‌طور که بارها تأکید کرده‌ایم، ریشه در ساختار سیاست‌های ایدئولوژیک و سیاسی این حکومت، فساد سازمان‌یافته و مناسبات مافیایی حاکم بر آن دارد.

از جمله، هویت غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی و نقش کلیدی حکومت در جنبش اسلام سیاسی و تحریم‌های اقتصادی و انزوای ایران از بازار جهانی، تخصیص بخش بزرگی از ثروت جامعه به پروژه‌های نظامی، هسته‌ای و موشکی و تأمین نیروهای نیابتی و گروه‌های مسلح در منطقه و بساط چپاول و دزدی باندهای مافیایی حاکم اقتصاد کشور را بیش از پیش بحرانی کرده است.

چهل‌هفت سال است که این روند ادامه دارد. با کشیده شدن این سیاست‌ها به جنگ و با شکل‌گیری شرایط بی‌ثبات "نه جنگ، نه صلح" کنونی و تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی مبنی بر محاصره اقتصادی بحث از صرف بحران اقتصادی فراتر رفته و امروز با اقتصادی روبه‌رو هستیم که درگیر فروپاشی و حکومتی هستیم که با بن‌بست‌های عمیق سیاسی و اقتصادی مواجه است؛ و بهای این وضعیت را مردم می‌پردازند.

گرانی‌های افسارگسیخته و روزافزون، سونامی بیکاری، بی‌تأمینی گسترده و فقر فزاینده، در کنار فشارهای جانکاه اقتصادی و سرکوبگریهای بی‌رحمانه حکومت برای عقب راندن جامعه از هرگونه اعتراض، مردم را به نقطه عصیان رسانده است.

فریاد اعتراض کارگران، بازنشستگان، پرستاران و بخش‌های مختلف جامعه در کف خیابان، بیش از هر چیز، اعتراضی به همین وضعیت اسفناک معیشتی و فاصله عظیم میان هزینه سبد معیشت و سطح دستمزدها و زیر پا له شدن همه کرامت انسانی شان است. طرح مطالباتی برای افزایش دستمزدها به بالاتر از سبد معیشتی ۱۵۰ میلیون تومانی و خط فقر ۹۰ میلیون تومانی، در کنار شعارهایی علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت، از جمله شعار "مذاکره بهانه است، سفره ما نشانه است"، نمادی از خشم و اعتراض کل جامعه نسبت به این شرایط است.

امروز فضای جامعه آن‌چنان انفجاری است که حکومت نیز به‌شدت از آن هراس دارد. به‌ویژه با حاشیه‌ای شدن بحث جنگ و در آمدن اوضاع به شکل "نه جنگ، نه صلح"، دیگر بهانه‌ای برای حکومت باقی نمی‌ماند که فشارهای معیشتی و اقتصادی را صرفاً به شرایط جنگی نسبت دهد. در نتیجه، حتی در میان کشمکش‌های درونی حکومت نیز از ضرورت چاره‌اندیشی فوری برای اقتصاد سخن گفته می‌شود.

از جمله، محمداقبر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که نام او بیش از هر چیز با پرونده‌های بزرگ فساد اقتصادی گره خورده است، در همین روزها هشدار داد و گفت: "ما هر چقدر قدرت نظامی داشته باشیم، ولی اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی و رشد اقتصادی نداشته باشیم، دوام نمی‌آوریم."

کار به جایی رسیده است که خبرگزاری دولتی ایلنا نیز اخیراً در گزارشی از رسیدن هزینه سبد معیشت یک خانواده کارگری به حدود ۹۰ میلیون تومان خبر داده و اعلام کرده است که دستمزد کارگر تنها پاسخگوی ۹ روز از هزینه‌های ماهانه زندگی است. این در حالی است که همان دستمزد نیز در بسیاری از موارد به‌موقع یا به‌طور کامل پرداخت نمی‌شود؛ و کارگران بیکاری که از بیمه بیکاری نیز محروم‌اند، اساساً در

چنین محاسباتی به حساب نمی‌آیند.

بعلاوه گرانی‌های کمرشکن آن‌چنان صدای اعتراض مردم را بلند کرده است که آمارهای مربوط به آن به تیر خبرهای خود حکومت نیز تبدیل شده است. طبق آمارهای مطرح‌شده در همین گزارش از ایلنا، نرخ تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها به ۱۲۸/۱ درصد رسیده و هزینه سبد خوراکی‌ها نسبت به سال قبل حدود ۲/۸ برابر شده است. همچنین قیمت دست‌کم هشت قلم کالای اساسی طی یک سال بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. معنای این ارقام روشن است: تورم و قیمت کالاهای ضروری با شتابی فزاینده بالا می‌رود و قدرت خرید مردم هر روز بیشتر سقوط می‌کند.

این وضعیت صرفاً به معنای افزایش قیمت چند قلم کالا نیست. مسئله، فرسایش مداوم توان اقتصادی خانواده‌ها برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی است. هنگامی که بخش بزرگی از درآمد خانوار صرف خوراک، مسکن، درمان و دیگر هزینه‌های ضروری می‌شود، کوچک‌ترین افزایش قیمت می‌تواند میلیون‌ها نفر را با بحران تازه‌ای روبه‌رو کند. نتیجه چنین روندی چیزی جز کوچک‌تر شدن سفره مردم، کاهش قدرت خرید و گسترش فقر نیست. کارگران، بازنشستگان و اقشار کم‌درآمد بیش از دیگران بار این بحران را بر دوش می‌کشند.

در همین روزها، بحث افزایش قیمت بنزین نیز بار دیگر داغ شده است. چنین افزایشی فقط به قیمت بنزین محدود نمی‌ماند، بلکه به‌سرعت به افزایش زنجیره‌ای قیمت سایر کالاها و خدمات و وخامت بیشتر وضعیت معیشتی منجر می‌شود. با این حال، شکل‌گیری صف‌های طولانی بنزین و بلندتر شدن صدای اعتراض مردم، حکومت را، دست‌کم به‌طور موقت، وادار به عقب‌نشینی کرده و نشان داده است که حتی در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نیز ناچار است با احتیاط بیشتری عمل کند.

در این بحران معیشتی، دیگر بحث صرفاً بر سر میزان دستمزد نیست. بحران معیشت با مسئله منزلت و کیفیت زندگی گره خورده است. دسترسی به درمان، مسکن مناسب، امنیت اقتصادی، آموزش و امکان برخورداری از یک زندگی شایسته، برای بخش بزرگی از جامعه به دغدغه‌های روزمره تبدیل شده است. در همین راستا، اعتراضات کارگران و بازنشستگان بر سر معیشت نشان می‌دهد که خواسته‌های اقتصادی دیگر صرفاً به افزایش دستمزد محدود نمی‌شود، بلکه تأمین اجتماعی، درمان، امنیت معیشتی، کرامت انسانی و برخورداری از رفاه را نیز دربرمی‌گیرد.

این شرایط، بیش از پیش بستر مشترک اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه بر سر مسئله معیشت را شکل داده است. اعتراض کارگران، بازنشستگان،

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات و فولاد و ذوب آهن اصفهان و اخباری دیگر



معیشت تجمع و راهپیمایی کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "جنگ طلبی کافیه سفته ما خالیه"، "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، بیمه بازنشستگان زیر عباس است امروز".

- یک حرکت اعتراضی دیگر در این روز تجمع جمعی از کشاورزان شهرستان گرمسار با خواست حقابه در محدوده نرسیده به محمدآباد است. این کشاورزان بارها برای این مطالبه تجمع و اعتراض داشته اند.

- در این روز همچنین کارگران شرکت "ارگ و پی" در مرز ریمدان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه مزد و بخشی از حق بیمه پرداخت نشده شان دست به اعتصاب زدند. این کارگران در پروژه های محوطه سازی، راهسازی، ساخت سوله و ساختمان در محدوده منطقه آزاد چابهار و مرز ریمدان کار میکنند. بنا بر خبرها پس از آغاز اعتصاب، مسئولان شرکت کارگران معترض را تهدید به اخراج کرده اند.

- آخرین خبر اینکه امروز دوم شهریور مالباختگان شرکت فروش خودرو "کرمان موتور" در اعتراض به اختلاسگری و بالا کشیدن پول خود در برابر نمایندگی محمدی تجمع کردند. به گفته معترضین آنها یک سال است که پول داده اند اما به آنها خودرویی تحویل داده نشده است و ماشین ها را هم از داخل نمایندگی تخلیه کرده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ شهریور ۱۴۰۵، ۲۴ اوت ۲۰۲۶

امروز دوم شهریور بازنشستگان مخابرات در اعتراض به مشکلات سخت معیشتی و عدم پرداخت مطالبات، محرومیت از بیمه درمان و اختلاسگریهای ستاد اجرایی و تعاون سپاه به عنوان سهامداران عمده این شرکت، دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در تهران جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان مخابرات مقابل وزارت ارتباطات تجمع و راهپیمایی داشتند. این بازنشستگان با شعارهایی از جمله "سهامداران عمده حق ما را خورده"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، فریاد اعتراض خود را علیه اختلاسگریهای حاکم که فشار سنگین معیشتی را بر زندگی همه آنها تحمیل کرده، بلند کردند.

در تجمعات اعتراضی این روز بازنشستگان مخابرات با شعار "اگر جواب نگیریم دوشنبه ها همیشه" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف از جمله عبارت بودند از: "شرکت پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی"، و "اجرای آیین نامه، حق مسلم ماست!".

شعارهای بازنشستگان، سهامداران عمده شرکت مخابرات، "ستاد اجرایی فرمان امام" و نیز "بنیاد تعاون سپاه پاسداران" و سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، را که پشتیبان سهامداران عمده این شرکت است، را بعنوان سهامداران عمده دزد و چپاولگر این شرکت مورد هدف قرار میداد.

- امروز دوشنبه دوم شهریور ماه همچنین بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان در ادامه اعتراضات هر روزه خود در دو هفته اخیر در اعتراض به وضعیت بد بیمه و

بحران معیشت و...

از صفحه ۳

مناسباتی را که عامل بازتولید این وضعیت است به چالش می کشند. شعارهای اعتراضی بخش های مختلف کارگران و مردم علیه فقر، تبعیض، بی تأمین، جنگ افروزی های حکومت، سرکوب و اعدام، و برای برخورداری از یک زندگی انسانی، بیانگر این روند است.

جمهوری اسلامی ساختاری است که در آن فقر و نابودی معیشتی، تبعیض و نابرابری، جنگ افروزی و ناامنی، سرکوب و کشتار، همه و همه به یکدیگر گره خورده اند. یک سرمایه داری وحشی و بیرحم که هر روزه از مردم قربانی میگیرد. پایان دادن به این ساختار، شرط یک دگرگونی بنیادی در زندگی اجتماعی است؛ دگرگونی ای که بتواند آزادی، برابری، رفاه، تأمین اجتماعی، درمان، مسکن، دستمزد و امنیت اقتصادی را در مرکز زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه قرار دهد.

یک دگرگونی بنیادی که به هرگونه اعمال قدرت از بالای سر مردم پایان دهد و رفاه، آزادی و برابری را به پایه های زندگی اجتماعی تبدیل کند. جنبش "زن، زندگی، آزادی" و دستاوردهای آن، و به پیروزی رساندن این جنبش، چشم انداز چنین دگرگونی اجتماعی و رهایی بخشی را پیش روی جامعه قرار می دهد. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی.

پرستاران، کامیوندان و بخش های مختلف مزدبگیران جامعه به دستمزد و مستمری، اعتراض به گرانی، مسکن و درمان، و اعتراض به سرکوب و اعدام، در بسیاری از موارد در یک میدان اجتماعی مشترک قرار می گیرند: مطالبه زندگی ای که در آن انسان از امنیت اقتصادی، آزادی، رفاه و کرامت برخوردار باشد.

همین امروز یکی از خواست های فوری مردم، پایان دادن به جنگ افروزی های حکومت، قطع هزینه های جنگ و حمایت از نیروهای نیابتی و پایان دادن به سیاست هایی است که جامعه را درگیر بحران های مستمر سیاسی و اقتصادی کرده اند. خواست مردم، رهایی از این وضعیت فلاکت بار و بی تأمین و برخورداری از زندگی ای انسانی و امن است.

در چنین شرایطی، و در فضای سیاسی پس از انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و خیزش دی ماه که در تداوم این روند و با محوریت مسئله معیشت شکل گرفت، مبارزه بر سر معیشت به چالشی مستقیم با حکومت و یکی از ارکان مهم جنبش برای سرنگونی تبدیل شده است.

مردم در این اعتراضات به کل بساط فقر، تبعیض و نابرابری حاکم معترض اند و



سنگر فرهنگ اسلامی فرو ریخته است - مهران محبی

خبرگزاری مهر در یادداشتی با اشاره به انتشار ویدئوهای طنزآمیز در باره مداحی در شبکه های اجتماعی نوشته است: "وقتی شوخی با مداحی عادی سازی می شود، مرز فرهنگی فرو می ریزد".

ظاهراً حکومت هنوز نمی خواهد باور کند که در جامعه ایران مذهب و فرهنگ اسلامی نه احترامی برایش باقی مانده و نه اعتباری. از جنبه ای حق هم دارد باور نکند که بعد از ۴۷ سال هزینه های سرسام آور مالی برای تبدیل کردن اسلام به باور مردم و تبدیل کردن سنتها و قوانین ارتجاعی آن به "ترم" و روش زندگی جامعه از طرق مختلفی چون براه انداختن دستگاه های عریض و طویل تبلیغاتی از مساجد گرفته تا مدارس و دانشگاه ها، و از صدا و سیما گرفته تا هر روزنامه و رسانه حکومتی و غیره شکست خورده است. و علی رغم گسترش مراکزی مانند حوزه های علمیه در هر شهر و شهرستانی که آخوند و مداح و چاقو کشان "نهی از منکر" را تربیت کرده و به جنگ با مردم خواهان زندگی به شیوه مدرن غربی فرستاده، راه به جایی نبرده است.

جمهوری اسلامی از روز اول، جنگ با روشنگری و زندگی همراه با شادی و فرهنگ مدرن و ضد مذهبی و ضد عقب ماندگی و تحجر را باخته بود، اما با انقلاب "زن، زندگی، آزادی" همراه با فرو ریختن سنگر حجاب، سنگر فرهنگ اسلامی اش هم فرو ریخت و آنچه امروز برای حکومت در مقابل جامعه باقی مانده، سنگری است که پشت آن دستگاه های کشتار و سرکوب نظامی و امنیتی و قضائی اش قرار گرفته اند.

گذشته از اینکه انقلاب "زن، زندگی، آزادی" سنگر حجاب را به طور واقعی فرو ریخت و ۴ سال است که بی حجابی به شیوه غالب و تثبیت شده و غیرقابل بازپس گیری حضور زنان در عرصه های اجتماعی تبدیل شده است، میدانی برای شکست و به عقب راندن فرهنگ متحجر مذهبی و اسلامی هم بود. در جریان همان انقلاب بود که شعار "هیز توئی، هرزه توئی، زن ازاده منم" و "عمامه پرانی" به یکی از شعارها و روش های حمله به اسلام و فرهنگ متعفن اسلامی تبدیل شده بود. امروز اسلام در ایران به شدت "طرد شده" و نمادهای اش مورد تفر مردم هستند. آخوندها خانه نشین و منزوی شده اند و جرأت نمی کنند تنهایی در اماکن عمومی ظاهر شوند. این ها تحلیل نیستند، بلکه مشاهدات میدانی هستند. اگر از شهروندان عادی که روزانه حداقل چند ساعت را در خیابان ها و مراکز عمومی سپری می کنند، پرسید که طی یک هفته چند آخوند را در حال خرید یا قدم زدن در خیابان و پارک، یا در حال رانندگی دیده است؟ پاسخ اش به احتمال قطع به یقین صفر یا خیلی نزدیک به صفر خواهد بود.

این اوضاعی است که رژیمی که ۴۷ سال تلاش کرده با دستگاه های تبلیغاتی خرافه پرانی و به موازات آن ها با گسیل اراذل و اوباش مسلح اش جامعه را اسلامی و عقب مانده نگه دارد، با ذلالت در آن دست و پا می زند. آخوند و مسجد و غیره که طبق برنامه جمهوری اسلامی قرار بوده برای جامعه نماد توسل و میعادگاه پیوند مردم با اسلام باشند، امروز سوژه های طنز و استهزاء عموم شده اند.

رژیمی که می خواست شهادت حسینی را به کمک مداحان در باور جوانان تثبیت و نهادینه کند، حالا ناظر تمسخر حسین و کربلای حسینی و مداحان و هر نماد

اسلامی و حسینی و شهادت طلبانه توسط جوانان چه در فضای میدانی و واقعی و چه در فضای مجازی و رسانه ای است و از شدت "درد این شکست" بر خود می پیچد. اما با اینحال نمی خواهد تسلیم شود و فضا را به طور کلی به مردم واگذار کند. چون در آنصورت سرنگون خواهد شد. از اینرو مانند همیشه به ماشین سرکوب و ارباب اش متوسل می شود تا بلکه بتواند چند صباح دیگری دوام بیاورد.

علی صالحی دادستان تهران خبر از بازداشت افرادی داده که کلیبی در تمسخر مراسم اربعین را منتشر کرده اند و از در اولویت قرار گرفتن پیگیری های قضائی برای کافه ها و رستوران هایی در تهران که به زعم وی "منافی عفت" بوده و همچنین مقابله با فروشگاه هایی که "البسه نامتعارف" عرضه می کنند حرف زده است.

به این ترتیب می بینیم که سنگر یا به قول خودشان مرزی برای فرهنگ اسلامی نمانده و هر روز ارزش ها و معیارهای ارتجاعی آن زیر پای زندگی مدرن بیشتر لگدمال می شود. دختران و پسران در کنار هم کافه ها می نشینند و موسیقی های شاد گوش می کنند و از با هم بودن لذت می برند و در پارک ها می زنند و می خوانند و می رقصند، و خیابان ها را با وجود همه مشقات اقتصادی و معیشتی و با وجود جای خالی دوستان و عزیزانشان که به دست آدمکشان جمهوری اسلامی در خیزش ۴۰۴ و خیزش ها و اعتراضات بیشتر به قتل رسیده اند، به رنگ زندگی و ضدیت با غم و اندوه و تباهی که از ظواهر فرهنگ اسلامی هستند در آورده اند.

همانطور که ذکر شد هیچ خاکریز و مرزی برای جمهوری اسلامی غیر پادگان ها و مراکز استقرار ماشین کشتارش باقی نمانده است. فعلاً می تواند موجودیت خود را با ماشین کشتارش ابراز کند. می تواند مردم معترض در خیابان را قتل عام کند، می تواند بازداشت و شکنجه و زندانی و اعدام کند و دست به هر جنایت دیگری بزند و ۴۷ سال است که کشتار و زندانی و اعدام می کند، اما همواره در برابر جامعه یک حکومت شکست خورده بوده است.

یک حکومت شکست خورده می تواند در وضعیت شکست خوردگی و درماندگی "امروز را به فردا برساند"، ولی نمی تواند بقاء خود را حفظ کند و سرنگون خواهد شد. جمهوری اسلامی با وجود داشتن ماشین سرکوب و کشتار بی رحمانه، روزنه ای برای ادامه حیاتش نمی بیند. می داند که به آخر خط رسیده و جامعه زخم خورده، مصمم است و سرنگونش خواهد کرد.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

جایگاه حزب کمونیست کارگری در اعتراضات اجتماعی علیه حکومت - مهران محبی



سپردن پول های بلوکه شده به جمهوری اسلامی بودند.

اما مردم با این دیدگاه همراه نشدند؛ نه بخاطر اینکه طرفدار دولت آمریکا باشند، بلکه می دانستند که با دسترسی حکومت به آن پول ها هیچ چیز عاید جامعه نمی شود ولی در عوض، رژیم می تواند ماشین سرکوب و کشتار و تروریسم خود را مجهزتر کند.

همزمان با اولین حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به مراکز سیاسی و نظامی و هسته ای رژیم و زیرساخت های اقتصادی که جدا از واردن آوردن ضربات سخت به حکومت، خسارت های جانی و مالی فراوانی هم به مردم رساند هم دو موضع متفاوت در میان چپ در جریان هستند. یکم، موضعی که جنگ های ۱۲ و ۳۹ روزه را ریشه گرفته از خوی توسعه طلبی و ذات استعمارگرانه امپریالیسم آمریکا و به اصطلاح نوچه آن یعنی اسرائیل تعریف می کند و اولویت مبارزه خود را فعلا با آمریکا و اسرائیل قرار داده و دوم، موضعی که جنگ های مذکور و شرایط جنگی تحمیل شده بر جامعه را نتیجه سیاست ها و روابط جمهوری اسلامی با دنیا و نتیجه جنگ افروزی های آن می داند و خلاصی از جنگ و کشتار و فقر و گرانی را تنها در گرو سرنگونی حکومت جنگ افروز می بیند. موضع حزب کمونیست کارگری، موضع دوم است و خوشبختانه این موضعگیری، گفتمان غالب جامعه شده است.

مردم به درستی جمهوری اسلامی را منشأ و زمینه ساز حملات نظامی آمریکا و اسرائیل می دانند و خواهان دست کشیدن حکومت از جنگ افروزی و کشتاندن جامعه به سوی جنگ ها و حملات نظامی بیشتر هستند. جامعه می داند که اگر جمهوری اسلامی دست از ماجراجویی و ساخت بمب هسته ای و شلیک به کشتی های تجاری در تنگه هرمز بردارد، نه آمریکا و نه اسرائیل و نه هیچ دولت دیگری اقدام به حمله نظامی نخواهد کرد و جان و مال و رفاه و معیشت مردم تا این حد به خطر نمی افتد. و از اینرو است که می بینیم در تجمع بازنشستگان و بیانیه های تعداد زیادی از تشکل های کارگری و اجتماعی بازتاب دهنده مطالبه عموم مردم هم هستند، تأکید بر دست کشیدن جمهوری اسلامی از جنگ افروزی، برجسته و چشمگیر است.

امروز سکندار میدانی جنبش علیه جنگ افروزی های جمهوری اسلامی بازنشستگان هستند که از کرمانشاه با شعارهای "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه" و "نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار" شروع شد و به شوش و اهواز و تهران رسیده است و بی تردید حزب کمونیست کارگری در تقویت و گسترش این نگاه و رویکرد اجتماعی و انسجام مبارزاتی، بیشترین تلاش و فعالیت چه در عرصه سیاسی و نظری و چه در عرصه حضور میدانی را کرده است.

به گفته سران امنیتی جمهوری اسلامی، حزب کمونیست کارگری، حزب سازمانده اعتراضات است و امروز در سطحی گسترده با جنبش های اعتراضی در پیوند قرار گرفته است.

هر قدر که اعتراضات اجتماعی و جنبش های اعتراضی به جلو گام بر می دارند و رادیکالتر می شوند بیشتر با سیاست ها و راهکارهای مبارزاتی ای که حزب کمونیست کارگری در برابر جامعه می گذارد عجین تر و همسو تر می شوند. این واقعیت، فقط ادعای حزب نیست، بلکه در میدان نبرد میان بخش های جامعه با جمهوری اسلامی به طور واقعی جریان دارد.

در این رابطه موارد زیادی هستند که می توان به آن ها رجوع کرد. از جنبش علیه اعدام گرفته تا جنبش های دادخواهی و دانشجویی و زنان و جنبش کارگری و اعتراضات بازنشستگان و غیره، همگی مهر و رد پای حزب را با خود دارند. حزب کمونیست کارگری برای شکل دادن و قدرتمند کردن هر یک از این عرصه های مبارزه با جمهوری اسلامی، سیاست و راهکار و مهمتر از این ها، فعالیت میدانی داشته است.

روشن است که در این میدان سازمان ها و احزاب سیاسی دیگری هم حضور داشته و آن ها هم از جنبش ها و مبارزات جاری در حد توان خود حمایت کرده اند. اما آنچه جایگاه حزب کمونیست کارگری را متمایز می کند، تفاوت بر سر جهت گیری هائی است که در دوره های مختلف نسبت به موضوعات روز کرده و راهکارهائی که برای ایجاد همبستگی و سازمانیابی مبارزات و اعتراضات میدانی به کارگران و زنان و دانشجویان و هر بخش معترض به جمهوری اسلامی ارائه داده است.

حزب همواره بر همبستگی و سازمانیابی بر محور هائی که بیشترین ظرفیت ها برای جذب نیروی اعتراضی را دارد تأکید کرده و تلاش کرده تا با بکارگیری توان خود، جوانب مختلف آن ها را روشن و برجسته کند و به گسترش و قدرتنمایی اعتراضات و جنبش های اعتراضی کمک کند. یکی از ویژگی های حزب این بوده که مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در هر شرایط و موقعیت سیاسی و اجتماعی ای اصل و اساس بوده و اجازه نداده است که اتفاقات و تحولات رخ داده در روابط جمهوری اسلامی با دنیای خارج اعتراضات جامعه علیه حکومت و خواست سرنگونی آن به حاشیه رانده شود؛ و همین باعث نفوذ عمیق اجتماعی روزافزون طی دوره های گذشته و امروز روی آوری سیاسی در داخل به حزب کمونیست کارگری شده است.

زمانی که اکثر سازمان ها و احزاب چپ از جامعه می خواستند برای پایان دادن به تحریم اقتصادی ای که نتیجه پروژه های هسته ای و موشکی و ماجراجویی های منطقه ای با حمایت های همه جانبه از تروریست هایی مانند حماس و حزب الله و غیره بود، اعتراضات شان را متوجه آمریکا کنند، راهکار حزب کمونیست کارگری زیر فشار شدیدتر گذاشتن جمهوری اسلامی بود و دیدیم که جامعه از آن استقبال کرد. یا وقتی که احزاب و سازمان های معینی از جبهه چپ از کمپین چند سال پیش جمهوری اسلامی برای آزادسازی پول های بلوکه شده توسط آمریکا حمایت می کردند و خواسته و ناخواسته تلاش می کردند نیروی جامعه را پشت سر رژیم بکشاند، این حزب علیه آن ایستاد و بازهم دیدیم که جامعه راه درست یعنی ادامه مبارزه و اعتراض به حکومت با شعار "دشمن ما همینجاست، دروغ می گن آمریکاست" را انتخاب کرد. اینجا بد نیست استدلال چند شخصیت سیاسی چپ برای حمایت از آن کمپین رژیم و طرفدارانش در خارج را بازگو کنم؛ آمریکا اعلام کرده بود حاضر به آزادسازی پول های بلوکه شده ایران نیست، چون در صورت آزاد شدن پول ها جمهوری اسلامی آن را خرج پروژه هسته ای و تأمین مالی و جنگ افزار برای حزب الله و غیره می کند و استدلال آن دوستان این بود که هر کشوری صاحب دارد و این وظیفه آن صاحب است که چگونه خرج کند، و با این استدلال خواهان



دارند. گفتنی است که شرکت "آهورا سیستم" با مدیریت حبیب‌الله دهمرده، نماینده سابق زابل و از افراد بانفوذ در شبکه وزارت بهداشت به عنوان شرکت طرف قرارداد با دانشگاه علوم پزشکی چابهار، مسئولیت بخشی از نیروهای شرکتی این مجموعه را برعهده دارد. بعلاوه در شبکه بهداشت نیکشهر، که زیرمجموعه دانشکده علوم پزشکی چابهار است نیز ده‌ها نیروی شرکتی، ساعتی و لاروکش نیز با تأخیر چندماهه در پرداخت حقوق و بلاتکلیفی وضعیت شغلی خود مواجه بوده‌اند. در رابطه با این وضعیت چپاول و تأخیر در پرداخت‌ها و سرقت از دستمزدها، کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی چابهار بارها دست به اعتراض زده‌اند و همواره با اخراج و عدم تمدید قراردادهایشان مواجه شده‌اند. اعتراض این کارکنان ادامه دارد.

- شب گذشته صدها نفر از مردم سنندج برای جلوگیری از اعدام کاوه رفوشه در مقابل زندان مرکزی این شهر تجمع کردند. تجمع مردم سنندج و قبل از آن در اصفهان برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام هشدار به حکومت است و اعدام‌ها را برای آن‌ها هزینه می‌کند.

علیرغم تجمع مردم و با کمال تأسف حکم جنایتکارانه اعدام کاوه رفوشه سحرگاه امروز به اجرا درآمد. اما با گسترش اعتراضات علیه اعدام ما مردم خاکریز اعدام را نیز فتح خواهیم کرد و چوبه‌های دار را بر سر حکومت جنایتکار اسلامی خواهیم شکست. وسیعا به جنبش علیه اعدام پیوندیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مرداد ۱۴۰۵، ۱۸ اوت ۲۰۲۶

گسترش کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به ۶۰ زندان، اعتراضات گسترده کادر درمان و تجمع شبانه مردم سنندج علیه اعدام

-امروز ۲۷ مرداد کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته سی و چهارم خود در شصت زندان کشور جریان یافت. در این هفته زندانیان زندان گچساران نیز با انتشار بیانیه‌ای، پیوستن رسمی خود را به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» اعلام کردند. در سر سخن بیانیه هفتگی این کارزار در گرامیداشت یاد جانباختگان سال ۶۷ چنین آمده است:

در سالگرد قتل‌عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ - که توسط آقای جاوید رحمان، گزارشگر پیشین حقوق بشر سازمان ملل متحد، به عنوان "جنایت علیه بشریت" شناخته شد - یاد و خاطره تمامی جان‌باختگان راه آزادی و برابری را گرامی می‌داریم و امیدواریم به‌زودی عاملان و آمران این فاجعه ضدبشری در برابر دادگاه عدالت قرار گیرند.

در این بیانیه با اشاره به ادامه اعدام‌های سبعانه حکومت و گستردگی آن که زنگ خطری جدی برای بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان است، از تمامی جهانیان خواسته شده است که برای اثربخشی در توقف ماشین اعدام، تمامی روابط دیپلماتیک و تجاری خود با حکومت ایران را مشروط به توقف کامل اعدام‌ها کنند. همچنین بار دیگر از همگان خواسته شده است که صدای این کارزار و تمامی محکومان به اعدام در ایران باشند و مستمراً به هر شکل ممکن اقدام کنند

- اعتراضات پرستاران و کادر درمان بخاطر مشکلات معیشتی و کاری گسترش می‌یابد. صبح امروز سه‌شنبه ۲۷ مرداد جمعی از کارکنان بهداشتی در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، مقابل استانداری همدان تجمع کردند. در همین رابطه و در اعتراض به سطح نازل حقوقها و فشارهای سنگین کاری در روز گذشته نیز کارکنان مراکز بهداشت در تهران مقابل وزارت بهداشت تجمع داشتند. همچنین در همین روز نیروهای شرکتی دانشگاه علوم پزشکی چابهار در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و پرداخت نامنظم حقوقها و طلب مزد تیرماه خود دست به تجمع زدند. طبق گزارشات بیش از ۴۰۰ نیروی شرکتی در مجموعه دانشگاه علوم پزشکی چابهار با تأخیر در دریافت حقوق و مطالبات خود مواجه هستند و بخشی از مطالبات مالی برخی کارکنان که به سال‌های گذشته مربوط می‌شود نیز همچنان بلاتکلیف مانده است. بعلاوه چپاول دستمزد این کارکنان امری عادی است. از جمله بخشی از کارکنان درحالیکه در ماه ۱۲۰ ساعت اضافه‌کاری دارند و اعتبار مالی بابت این پرداختها از سوی وزارت بهداشت به حساب دانشکده واریز می‌شود، اما تنها ۸۰ ساعت کار برای آنان ثبت و محاسبه می‌شود. این کارکنان به این چپاولگریها اعتراض



اعدام قتل عمد دولتی است!



جمهوری جنایتکار اسلامی یک معترض دیگر را اعدام کرد!

روز یکشنبه این هفته ۲۵ مرداد قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که شهرام صادقی یکی از معترضان دی ماه ۱۴۰۴ را اعدام کرده است. اعدام شهرام صادقی سه هفته پس از اعدام ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیر حسین صفری در ارتباط با اعتراضات دی ماه در ملک شهر اصفهان، و کمتر از یک هفته پس از اعدام امید بهزاد و پوریا صفوت به اتهام جاسوسی و همکاری اطلاعاتی با اسرائیل اجرا شده است. از اواخر اسفند ۱۴۰۴ تاکنون، حداقل ۳۰ نفر از معترضین دی ماه اعدام شده اند. همچنین طی این مدت دست‌کم ۱۲ نفر با اتهام جاسوسی، دو نفر از معترضان خیزش زن زندگی آزادی و ۱۳ زندانی سیاسی وابسته به گروه‌های مخالف اعدام شده‌اند. صادقی در رسانه‌های حکومتی داخل ایران متهم شده بود که در شبانگاه ۱۸ دی پارسال در حوالی چهارراه گلزار کرج، پس از حمله به مامورین با خودرو پراید چندین مامور را زیر گرفته است. به نوشته این رسانه‌ها، در پی این حادثه «هفت مامور فراجا از ناحیه سر، پا، دست و چشم «مصدوم شده‌اند».

پرونده سازهایی جعلی و گرفتن اعترافات اجباری زیر شکنجه از شیوه‌های معمول بیدادگاه‌های حکومت اسلامی است و علیه زندانیان سیاسی و معترضین و حتی زندانیان جرائم عادی به کار برده می‌شود.

این اعدام‌ها تلاش و تقلاي حکومت وحشی و درمانده اسلامی است که سران و سردارانش را در جنگ از دست داده، اقتصادش فلج و زمین گیر شده، صفوفش به هم ریخته و دچار انشقاق و چند دستگی است و در وحشت دائم از خیزش و انقلاب مردم خشمگین و بجان آمده برای سرنگونی به سر میبرد.

اعدام قتل عمد دولتی است. این جنایت حکومتی در جمهوری اسلامی به یک امر هر روزه و رو به گسترش تبدیل شده است. این حکومت معترضین و حق طلبها و آزادیخواهان را اعدام میکند. این حکومت جرثومه جنایت و فساد و چپاول و بدترین جرم و جنایت است. این حکومت با اعدام می‌خواهد به حیات ننگین خود ادامه دهد و هر بار با روبرو شدن با کابوس سرنگونی، از عزیزان مردم قربانی میگیرد و تلاش

میکند فضای رعب و وحشت و تمکین علیه همه مردم ایجاد کند.

مردم این کشور با خیزش و انقلاب و قیام سراسری خویش به عمر سراپا جنایت و چپاول حکومت اسلامی پایان خواهند داد و با پایان دادن به حاکمیت این جانیان، زندگی و امنیت و آزادی را در جامعه برقرار خواهند کرد.

نابود باد حکومت اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مرداد ۱۴۰۵، ۱۸ اوت ۲۰۲۶



اجرای دقیق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی و پرداخت سریع تمام معوقات مزدی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مرداد ۱۴۰۵، ۱۸ اوت ۲۰۲۶

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان فولاد و ذوب آهن در اصفهان

امروز سه‌شنبه ۲۷ مرداد جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان همچون روزهای گذشته در اعتراض به وضعیت معیشتی و مطالبات خود و با سر دادن شعار "فریاد، فریاد، از این همه بیداد" دست به تجمع و راهپیمایی زدند. "درمان، معیشت، حق مسلم ماست" یک بنر قابل توجه تجمعات این بازنشستگان در روزهای اخیر بوده است.

مطالبات فوری این بازنشستگان عبارتند از: ارائه خدمات درمانی رایگان، کامل و مستمر بر اساس آیین‌نامه استخدامی فولاد، اصلاح و اجرای واقعی متناسب‌سازی حقوق طبق سرانه اختصاصی فولاد و نه سرانه کشوری، افزایش مستمری‌ها متناسب با نرخ واقعی هزینه‌های سبد معیشت که اکنون بالای صد و پنجاه میلیون است و

جمهوری اسلامی سرنگون!



اعتراض کارگران پتروشیمی و پرستاران دانشگاه علوم پزشکی نیشابور

روز گذشته چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ شماری از کارگران روزمزد اخراجی پتروشیمی امیرکبیر در منطقه ویژه اقتصادی و پتروشیمی سربندر، در اعتراض به فشارهای سخت معیشتی و بلا تکلیفی شغلی خود تجمع کردند. این کارگران از آذرماه سال گذشته از کار اخراج شده‌اند. پس از پیگیری‌های مداوم، کمیسیونی با حضور سه قاضی اداره کار سایت یک منطقه ویژه ماهشهر، نمایندگان فرمانداری، معاون مدیرعامل، رئیس اداره اطلاعات و سه نماینده کارگری تشکیل شد که در نهایت رای به بازگشت کارگران به کار داد و مقرر شد آنان حداکثر ظرف ۷ تا ۱۰ روز به محل کار خود بازگردند. اما علیرغم این تصمیم تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته و کارگران همچنان بیکار و بلا تکلیف مانده‌اند. در حرکت اعتراضی این روز کارگران همکاران خود را به تجمع بزرگتر در روز ۳۰ مرداد فرا خواندند.

-روز سه شنبه ۲۷ مرداد پرستاران دانشگاه علوم پزشکی نیشابور برای دومین بار در اعتراض به سطح نازل حقوقها، کارانه‌ها و اضافه‌کارهای پرداخت نشده، فشار سنگین کاری و بی پاسخ ماندن مطالبات خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مرداد ۱۴۰۵، ۲۰ اوت ۲۰۲۶

دو تجمع اعتراضی علیه اعدام در دزفول و خرم آباد برای مقابله با اعدام دو زندانی



بالای سر این زندانی قرار دارد. اعدام ابزار حکومت اسلامی برای مرعوب کردن مردم معترض است. جان انسانهایی را میگیرند تا مردمی را که برای آزادی و جامعه انسانی تلاش و مبارزه میکنند، مرعوب نمایند. با اعتراضات جمعی میتوان هزینه اعدام برای حکومت بسیار بالا برد و نهایتا

حکومت جنایتکار را عقب راند و این ابزار وحشیانه و ضد انسانی اعدام را از آن گرفت. اعدام به هر شکل و با هر جرمی توحش است و باید ممنوع شود و کلا از جامعه جaro شود. مستقل از اینکه زندانیانی که حکم اعدام میگیرند چه جرمی مرتکب شده یا به آنها منتسب شده است، باید قاطعانه از ممنوعیت اعدام دفاع کرد و از لغو کامل مجازات اعدام در قوانین کیفری دفاع نمود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مرداد ۱۴۰۵، ۲۰ اوت ۲۰۲۶

شبانگاه سه شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵؛ جمعی از مردم دزفول در اعتراض به انتقال یک زندانی به نام ابراهیم نصیری به سلول انفرادی برای اجرای حکم اعدام، مقابل زندان این شهر تجمع کردند. این تجمع تا صبح روز بعد ادامه یافت و نهایتا با توقف اعدام این زندانی، این حرکت اعتراضی به پایان رسید.

به گزارش گزارشگران «نفس در قفس»، ابراهیم (شهرام) نصیری، که پیش‌تر به اتهام جرایم مرتبط با «مواد مخدر» بازداشت و به اعدام محکوم شده بود، در حالی برای اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شد که بنا بر گزارش منابع مطلع، روند قانونی پرونده وی به پایان نرسیده و پرونده نیز به دیوان عالی کشور ارسال نشده بود. بر اساس همین گزارش‌ها، مواد مخدر ادعایی در محل اقامت یا نزد آقای نصیری کشف نشده و حکم اعدام او بر مبنای «قسامه» صادر شده است.

تجمع اعتراضی مردم دزفول تا بامداد روز ۲۸ مرداد ادامه یافت و سرانجام با توقف اجرای حکم، ابراهیم نصیری از سلول انفرادی به بند زندان بازگردانده شد و معترضین با خوشحالی متفرق شدند.

همچنین روز پنجشنبه ۲۹ مرداد به دنبال فراخوان خانواده محمدرضا رضایی، زندانی محکوم به اعدام در خرم آباد برای نجات جان این زندانی و لغو مجازات اعدام وی، در مقابل زندان مرکزی این شهر تجمع اعتراضی با حضور خانواده و جمعیتی از مردم برگزار شد. فضا همچنان اعتراضی است و خطر اعدام همچنان

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID

کانال جدید

چهارمین سالگرد قیام مهسا بر متن "زن زندگی آزادی"

چهارمین سالگرد قیام مهسا
بر متن
"زن زندگی آزادی"



مهسا، اسم رمز جنبشی
که باگذشت چهارسال
همچنان تداوم یافته است.

هموار می کند.

از #کشتار_ده_شصت و "قتل عام زندانیان سیاسی" در #تابستان ۶۷، مادران خاوران تا کشتار دانشجویان در تیر ۷۸ و اعتراضات ۸۸، خانواده های دادخواه هرگز اجازه ندادند نام و یاد عزیزانشان به فراموشی سپرده شود. امروز بعد از گذشت چهار سال از آغاز جنبش و قیامی که با اسم رمز مهسا جان گرفت،

ما "دادخواهان" به همراه همه مردم حق طلب ادامه دهنده راه عزیزانمان هستیم و با هیچ ترفند سرکوبی از زندان و تهدید و اعدام لحظه ای پا پس نخواهیم کشید.

در روزهای سالگرد شهرپور خونین، همه با هم مزار جانباختگان و محل جانباختشان در خیابانها را گل باران کنیم و سرودهای رهایی بخوانیم. به دیدار خانواده های اعدام شدگان و جانباختگان برویم و در کنار تجمعات خانواده های زندانیان محکوم به اعدام برای پایان دادن به اعدام و کشتار هم پیمان شویم. دست به دست هم بدهیم تا همانطور که آرمان عزیزانمان بوده است، نوید ساختن دنیایی بدون زور و سرکوب و کشتار و اعدام باشیم. یاد عزیزان جانباخته مان را با پاکبویی و شادمانی گرمی بداریم تا خار چشم حاکمان جنایت و قتل عام و اعدام باشد.

اعدام نکنید-دادخواهان

مرداد ۱۳۰۵

برگرفته از مدیای اجتماعی

چهارمین سالگرد شهرپور خونین و ادامه دادخواهی را با زخم جانکاه قتل عام دیمه سپری می کنیم در حالیکه ثمره مبارزات عزیزترین جانهای قهرمانانمان، خواب راحت را از چشم قاتلان حاکم گرفته است.

مهسا، اسم رمز آغاز جنبشی شد که بعد از گذشت چهارسال همچنان تداوم یافته است. قتل مهسا جرقه آتش خرمی تلمبار شده از چهل و چند سال تبعیض و نابرابری و فساد گردید.

مردمی که با قتل مهسا به پاخاستند بیزار از هرگونه تبعیض بین انسانها و نابودی زندگی و آزادیشان بودند.

مهسا امینی، نماد ستم و رنج زنان، اسم رمز مبارزه مردمی شد که دیگر تاب رنج تبعیض را نداشتند و برای پایان دادن به سلطه حاکمیت زور، فساد و تبعیض به میدان آمدند و با شقاوت و بیرحمی حاکمان کشته شدند و #دادخواهی ادامه دهنده راه عزیزانمان است.

صدها عزیز در ۱۴۰۱ در اعتراض به قتل مهسا امینی، توسط حکومت سفاکان کشته شدند و عزیزانی را در زندانها اعدام کردند.

قهرمانانی که نام و یادشان به شهرها و خیابانها جانی تازه داد و مبارزه بی امان مردم برای پایان دیکتاتوری را استمرار بخشید.

فریاد اعتراض که در دیمه خونین با آغاز اعتصابات و اعتراضات، خیابانها را تسخیر کرد، ادامه مبارزه برای بازپس گرفتن زندگی و آزادی شد.

حاکمان جنایت و کشتار آنچنان بقای خود را در خطر دیدند که شنیع ترین روی وحشیگری خود را نمایان کردند و دست به سلاخی هزاران نفر زدند که روی همه جنایتهای تاریخ را سفید کرد.

اعدام ها را برای ارباب جامعه معترض گسترش دادند.

مبارزه علیه اعدام برای پاسداشت حق حیات و زندگی مسیر رسیدن به آزادی را

زنده باد زن، زندگی، آزادی

۱۶/۱

زن یعنی احترام به زندگی؛ یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض؛
زن یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودکان؛ یعنی لغو همه قوانین ضد زن اسلامی؛
زن یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران؛
زن یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مردم؛
زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها؛
زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی؛ یعنی پایان دادن به نابرابری اقتصادی؛
زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان؛
زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب درخشان برای همه؛
زندگی یعنی لغو مجازات اعدام و سوزاندن همه چوبه های دار؛
زندگی یعنی محاکمه همه آمران و عاملان کشتار مردم، قاتلان مهساها و نیکاهها در انقلاب جاری و در چهار دهه اخیر؛
آزادی یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از زندگی مردم؛
آزادی یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن درب همه زندانها؛
آزادی یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم؛
آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دگر و جبر مذهبی بر جامعه؛
آزادی یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض؛
آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم؛
زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه انسانی؛

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهرماه ۱۴۰۱



علی حاجی، فعال صنفی معلمان، کوهنورد و کنشگر محیط زیست، پس از صعود به قله دماوند با در دست داشتن تصویری از عبدالرضا امانی فر و مسعود فرهیخته، خواستار آزادی این دو معلم زندانی شد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

"طرح مقابله با نفوذ بیگانگان" و یا امنیتی کردن زندگی شهروندان!



محدود کردن یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی خود با جهان روبه‌رو هستند. بستن و کنترل این گلوگاه ارتباطی با خارج، قرار است یکی از پاسخ‌های رژیم به جامعه‌ای باشد که بیش از هر زمان دیگری خواهان آزادی، ارتباط با جهان و رهایی از ارزش‌ها و کنترل‌های تحمیلی جمهوری اسلامی است.

بی‌دلیل نیست که این طرح با مخالفت گسترده روبه‌رو شده است. مخالفت با این طرح، دفاع از ابتدایی‌ترین نیازهای ارتباط و روابط اجتماعی با دنیای خارج و دفاع از حقوق پایه‌ای انسان است؛ حقوقی که در هیچ جامعه آزاد و متمدنی جرم به حساب نمی‌آید. ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز علمی، همکاری‌های فرهنگی و هنری، فعالیت رسانه‌ای، شرکت در کنفرانس‌ها و برقراری ارتباط با نهادها و انسان‌های دیگر در جهان، بخشی طبیعی از زندگی امروز است و نباید تحت کنترل دستگاه‌های امنیتی قرار گیرد.

"طرح مقابله با نفوذ بیگانگان" طرحی برای گسترش کنترل امنیتی بر جامعه است. در جمهوری اسلامی، اتهامات امنیتی می‌تواند فاصله کوتاهی با طناب دار داشته باشد. این طرح می‌تواند زمینه را برای پرونده‌سازی‌های امنیتی بیشتر و در نهایت قتل‌های حکومتی بیشتر فراهم کند. باید اعتراض علیه این طرح را هر چه گسترده‌تر کنیم و اجازه ندهیم جمهوری اسلامی با عنوان "مقابله با نفوذ" بیش از این زندگی و آزادی مردم را به گروگان بگیرد. جای این طرح در زباله‌دانی تاریخ است!

کمیته بین‌المللی علیه اعدام - ۲۹ مرداد ۱۴۰۵، ۲۰ اوت ۲۰۲۶

برگرفته از مدیای اجتماعی

مجلس اسلامی روز یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۵، کلیات «طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» به تصویب رساند این طرح را باید در ادامه روند تشدید قوانین امنیتی و مجازات‌های مربوط به «جاسوسی» در جمهوری اسلامی دید؛ روندی که پس از تصویب قانون تشدید مجازات جاسوسی در سال گذشته، به گسترش دامنه اتهام‌های امنیتی و صدور احکام سنگین، از جمله اعدام، انجامیده است. طرح جدید اما گامی فراتر می‌رود و با گسترش مفهوم «نفوذ» به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی تصمیم‌گیری‌های حکومتی، ظرفیت تازه‌ای برای امنیتی کردن زندگی شهروندان و محدود کردن فعالیت‌های آنان ایجاد می‌کند.

در ماده ۲ این طرح طیف وسیعی از ارتباطات عادی با خارج، از همکاری علمی و دانشگاهی، انتشار کتاب و مقاله و دریافت بورسیه تا ارتباط با رسانه‌ها، شرکت در کنفرانس‌ها و فعالیت‌های هنری، مشمول «فعالیت با کارگزار بیگانه» (شده و برای ثبت و نظارت بر آنها سامانه‌ای ویژه پیش‌بینی شده است. به این ترتیب، ارتباط طبیعی مردم با جهان خارج به موضوع کنترل امنیتی تبدیل می‌شود.

ماده ۱۷ این رویکرد را یک گام فراتر می‌برد و ارائه اطلاعات یا تحلیل‌هایی را که «حکومت» خلاف واقع «تشخیص دهد، یا فعالیت‌هایی را که به تشخیص آن موجب «سلب اعتماد عمومی»، «کاهش مشارکت در انتخابات» یا «جهت‌دهی آرای مردم» شود، در صورت تحقق شروط ماده، جرم تلقی می‌کند. به این ترتیب، فعالیت سیاسی و رسانه‌ای شهروندان می‌تواند به بهانه «نفوذ» به پرونده‌ای امنیتی تبدیل شود و آنان را در معرض شناسایی و پیگیری نهادهای امنیتی رژیم قرار دهد.

همین چند نمونه کافی است تا نشان دهد مجلس اسلامی با تصویب کلیات چنین طرحی به دنبال چیست. این طرح بخشی از تلاش رژیم برای کنترل بیشتر زندگی مردم و محدود کردن ارتباط آنان با جهان خارج است. مردمی که سال‌هاست با زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و قوانین ضدانسانی و تحمیلی جمهوری اسلامی، در تلاش برای پس گرفتن زندگی خود از چنگ حکومت‌اند و با عصیان علیه ارزش‌های اسلامی حاکم، می‌خواهند زندگی دیگری برای خود رقم بزنند، اکنون با تلاش تازه‌ای برای

میلیارد تومان از جیب کارگران فولاد برای اربعین و مقبره خمینی



شعار بازنشستگان در شهرهای مختلف علیه جنگ‌افروزی حکومت و اتمی و نیابتی و غیره را باید به یک گفتمان و شعارهای سراسری تبدیل کنیم. کلیه هزینه‌هایی که صرف جنگ و نیابتی، صرف نهادهای مذهبی و سرکوب می‌شود باید بطور کامل قطع و صرف زندگی مردم شود. این را همه جا به یک گفتمان عمومی و مطالبات سراسری تبدیل کنیم.

#زن_زندگی_آزادی #جمهوری_اسلامی_نابود_باید_گردد

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری: پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas
واتس‌آپ و تلگرام: 0046700447425 (برگرفته از مدیای اجتماعی)

وب سایت حکومتی رویداد ۲۴ نوشته است که فولاد مبارکه در سال ۱۴۰۴ مبلغ ۱۱۰۸ میلیارد تومان صرف مراسم حکومتی اربعین و مصلی خمینی و نهادهای مذهبی در اصفهان و ... کرده و بودجه این حوزه برای سال جاری به ۲۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است.

این پول‌ها محصول استثمار شدید کارگران فولاد است که صرف نهادهای مذهبی می‌شود تا علیه کارگران فولاد و سایر کارگران و مردم محروم بکار رود. خود این رسانه حکومتی به «وضعیت وخیم تعدیل نیروهای فولاد و بازسازی» اشاره کرده است. این موضوع باید مورد اعتراض کارگران فولاد و بازنشستگان فولاد قرار گیرد. این هزینه‌ها باید قطع و صرف دستمزد کارگران و بازنشستگان شود.

هزینه‌های هنگفتی که هر سال صرف دم و دستگاه مذهب و سرکوب و فساد قشر حاکم و یا نیابتی و جنگ‌افروزی و غیره می‌شود نیز محصول استثمار طبقه کارگر و برای انقیاد طبقه کارگر و سر پا ماندن حکومت ضد سرکوبگر اسلامی است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FreeThem Now)
با همایشی آنلاین چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میدارد

زمان: ۲۱ شهریور ۱۴۰۵ برابر با ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶
ساعت: ۱۸/۳۰ عصر لندن، ۱۹/۳۰ عصر اروپای مرکزی، ۹ شب ایران

سخنرانان:

پیامها

چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میداریم!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) در گرامیداشت چهارمین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و به یاد جانبختگان انقلاب و علیه سرکوب و اعدام، همایشی آنلاین برگزار میکند.

این همایش در دوازدهم سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۱ شهریور ۱۴۰۵). مصادف با اولین روز هفته گرامیداشت سالگرد انقلاب توسط دبیرخانه اقدام آوریل که فری دم ناو نیز عضوی از آن است، برگزار میشود.

این همایش صدای جنبش زنده "زن زندگی آزادی"، ارج گذاشتن بر آرمانهای انقلاب مهسا و علیه بساط سرکوب و کشتار حکومت برای عقب زدن جامعه است. این همایش صدای اعتراض جامعه به ادامه جنگ افروزی های حکومت و نابودی کشانده شدن هر روز بیشتر جامعه است.

این همایش تلاش میکند که در چهارمین سالگرد انقلاب صدای دادخواهی مردم ایران بدنبال کشتار خونین دیماه ۱۴۰۴، فریاد رسای انقلاب زن زندگی آزادی برای رهایی از بساط فقر و توحش و بردگی حاکم و نمادی از اتحاد مبارزاتی کل جامعه باشد.

لیست سخنرانان و پیام دهندگان این همایش عبارتند:

- ۱- شهلا دانشفر: سخنگوی فری دم ناو، مانیفست انقلاب زن زندگی آزادی و منشور بیست تشکل
- ۲- کاظم نیکخواه: مسئول روابط بین المللی فری دم ناو، انقلاب زن زندگی آزادی و چشم انداز آن
- ۳- آزاده نعمان، فعال صنفی فرهنگیان، از اعضای اتحادیه ملی آموزش انگلستان: انقلاب زن زندگی آزادی و معلمان
- ۴- اسماعیل عبدی فعال حقوق بشر و دبیر کل پیشین کانون صنفی معلمان: انقلاب زن زندگی آزادی، انقلابی بر سر معیشت و زندگی
- ۵- کورش دانش، دانش فعال سیاسی، سندیکالیست و از مسئولین سابق کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL: انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش کارگری
- ۶- شیوا محبوبی سخنگوی کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی: انقلاب زن زندگی آزادی، نه به زندان و سرکوب
- ۷- پیام سالواتورا مارا پیام اتحادیه ایتالیا، مسئول سیاست بین المللی کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL
- ۸- تحسین مصطفی، از فعالان صنفی فرهنگیان در کردستان که به اروپا آمده است: انقلاب زن زندگی آزادی بعنوان یک شاهد عینی
- ۹- آمنه عسکری، سخنگوی نهاد مدافعین حق کودکان: انقلاب زن زندگی آزادی و نسل زد
- ۱۰- بهروز اسدی عضو هیات هماهنگی کارزار جهانی نه به اعدام: انقلاب زن زندگی آزادی، نه به اعدام

زمان: ۲۲ شهریور ۱۴۰۵ برابر با ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶
ساعت: ۶/۳۰ عصر لندن، ۷/۳۰ عصر اروپای مرکزی، ۹ شب ایران
کمپین برای آزادی کارگران زندانی - اوت ۲۰۲۶، مرداد ۱۴۰۵

برگرفته از مدیای اجتماعی





مهسا امینی، تیغ چشم نابودگران زندگی

در آستانه ماه شهریور، چهارمین سالگرد به قتل رسیدن #مهسا_امینی، که با جنبش زن_زندگی_آزادی در تاریخ مبارزات مردم ایران به ثبت رسید، احمد آریایی نژاد نماینده مجلس از ملایر با الفاظ سخیف خشم خود را علیه مهسا امینی و مبارزات مردم بروز داد و بسرعت با واکنش گسترده مردم مواجه و ناچار شد از خبط خود مقابل دوربین از خانواده مهسا و همه مردم عذرخواهی کند.

نام مهسا تیغ چشم دشمنان زندگی و آزادی است.

حاکمانی که بیش از چهار دهه زنان را به صلابه کشیدند و کمر به نابودی زندگی بستند، از نام مهسا امینی به ریشه می افتند.

نام مهسا، یادآور حجاب لگد مال شده در خیابانهاست

یاد آور دیوارهای فرو ریخته آپارتمان جنسیتی زیر پای جوانان به رقص و آواز در آمده است

نام مهسا یاد آور بانگ زیبای آواز زنان است که شهر را سرود زن ساخته است.

نام مهسا مایه سربلندی زنان و مبارزات مردم ایران در برابر حاکمیت پلیدی ها در سراسر دنیا است

نام مهسا، یادآور خالی شدن زیر پای جلادان و جنایتکارانی است که بعد از گذشت چهارسال هر روز بیشتر به ورطه نابودی فرو میروند.

نام مهسا سرآغاز نابودی حاکمیت تبعیض و زور و فساد است.

مهسا امینی، نماد ستم بر زنان و زندگی بر باد رفته انسانها و لگد مال شدن آزادی تحت حاکمیت آپارتاید جنسیتی دزد سالار است

نام مهسا، اسم رمز جنبش تحول ساز

"زن زندگی آزادی" است و از وجهه و اعتبار جهانی برخوردار است.

قتل مهسا نه تنها فریاد آزادی زن را به اوج رساند بلکه دفاع از زندگی و آزادی را به میدان کشید و #زن_زندگی_آزادی را به شعار میلیونها انسان در سراسر جهان بدل کرد..

دستاوردهای جنبش زن زندگی آزادی آنچنان در زندگی و زیست روزانه مردم زنده است که حاکمان را به خشم واداشته است

اکنون در چهارمین سالگرد جنبش مهسا، جوانان و مردم عزم خود را برای باز پس گیری زندگی و آزادی جزم کرده اند.

ما زندگی را از چنگال کثیف نابودگران انسانیت بیرون آورده و سرود آزادی را سر میدهیم!

"ندای زنان ایران" ضمن محکوم کردن هذیان گویی عوامل حکومتی علیه مهسا و دیگر جانبازان راه آزادی، همه انسانهای شریف و آزاده خواه و تشکلهای مردمی را به برگزاری هر چه باشکوهتر چهارمین سالگرد انقلاب مهسا با فریاد زن زندگی آزادی فرامی خواند.

نام مهسا، حدیث، نیکا، سیاوش، محسن، محمد حسن و غزاله و .. صدها نام زیبای شریف ترین انسانها را که به جرم اعتراض جانباختند را در کوی برزن فریاد میزنیم و دیوارها را با عکسهایشان آذین می بندیم.

زندگی را با شادی و آواز و رقص گروهی پاس میداریم و علیه اعدام و مرگ و کشتار حکومتی به صف می شویم.

ندای زنان ایران - ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

نه به قصاص و اعدام



مجازاتهای ضدانسانی و میراث بربریت، نشود؛ مجازاتهایی که جمهوری اسلامی همچنان بر زندگی و سرنوشت انسانها تحمیل می کند

نه به قصاص!

نه به اعدام

آری به زندگی و بخشش!
(برگرفته از مدیای اجتماعی)

امروز، پنجشنبه ۲۹ مرداد، در سومین روز پس از اجرای حکم اعدام کاوه رفوشه، مردم با حضوری چشمگیر در روستای ارندان سنندج، در کنار خانواده و نزدیکان کاوه حضور یافتند و یاد و خاطره او را گرامی داشتند.

تلاشگران بخشش ضمن گرامی داشت یاد کاوه رفوشه، در کنار خانواده او ایستاده و بر موضع روشن و تلاشهای انساندوستانه خود علیه قصاص و اعدام تأکید می کنند.

حضور در کنار خانواده کاوه، ادای احترام به او و همه قربانیان قصاص و اعدام است؛ و همزمان، تجدید پیمانی است با همه خانوادههایی که برای بخشش، نجات جان انسانها و پایان دادن به چرخه خشونت و اعدام تلاش می کنند.

ما یاد کاوه را نه با مرگ، بلکه با دفاع از زندگی، گسترش فرهنگ بخشش و مبارزه برای پایان دادن به قصاص و اعدام گرامی می داریم.

کاوه رفوشه را به یاد می آوریم تا هیچ انسان دیگری قربانی اعدام و قصاص، این

BOYCOTT
Iran's killer regime!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran



بیانیه ائتلاف فعالان و رسانه‌های دانشجویی در مخالفت با اعدام

ما با هر پروژه سیاسی که عدالت را با انتقام، دادخواهی را با اعدام و گذار از استبداد را با بازتولید ماشین کشتار دولت یکی بگیرد، مرزبندی صریح داریم.

آینده‌ای که بر چوبه دار بنا شود، امتداد گذشته است، نه گسست از آن.

ما، دانشجویان امضاکننده این بیانیه، دفاع از حق زندگی را جدایی ناپذیر از مبارزه برای آزادی، برابری و دموکراسی می‌دانیم.

ائتلاف فعالان و رسانه‌های دانشجویی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، علامه طباطبائی، علم و صنعت، خواجه نصیر، الزهرا و شیراز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵

#نه_به_اعدام

#زن_زندگی_آزادی

برگرفته از مدیای اجتماعی

ائتلاف فعالان و رسانه‌های دانشجویی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، علامه طباطبائی، علم و صنعت، خواجه نصیر، الزهرا و شیراز طی بیانیه ای اعدام را قتل عمدی انسانی و دفاع از حق زندگی را جزیی جدایی ناپذیر از مبارزه برای آزادی، برابری و دموکراسی خوانده اند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: اعدام، اجرای عدالت نیست؛ قتل عمدی انسانی است که دولت با اتکا به قانون، آن را مشروع اعلام می‌کند. هیچ نامی، از "حد" و "قصاص" تا "مجازات قانونی" و "امنیت ملی"، ماهیت این عمل را تغییر نمی‌دهد.

مخالفت با اعدام صرفاً مخالفت با یک مجازات نیست؛ مخالفت با یکی از بنیادی‌ترین ابزارهای سلطه و سرکوب دولتی است. میان سرکوب خیابان، زندان و چوبه‌دار هیچ گسستی وجود ندارد؛ این‌ها حلقه‌های مختلف یک زنجیره‌اند. از همین‌رو، مخالفت ما محدود به اعدام سیاسی نیست؛ مخالفت ما با اصل مجازات اعدام است. هیچ دولت، دادگاه یا قانونی نباید اختیار سلب حق حیات انسان را داشته باشد.

فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان «نه به اعدام؛ آری به حق حیات» ایران برای امضای پتیشن

لینک امضای پتیشن:

<https://fa.petitions.com/533042#a>

مردم شریف ایران

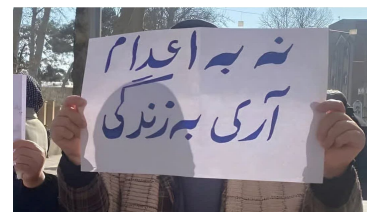
حق حیات، بنیادی‌ترین و غیرقابل سلب‌ترین حق هر انسان است. از همین‌رو، ما با هر نوع اعدام، با هر عنوان اتهامی، مخالفیم و آن را مغایر با کرامت انسانی، حق حیات و عدالت می‌دانیم.

بسیاری از حقوق‌دانان و متخصصان حقوق کیفری بر این باورند که در جرائم غیرسیاسی، مجازات‌های اصلاحی و بازپرورانه و بازدارنده کارآمدتر و انسانی‌تر از مجازات مرگ هستند. همچنین در پرونده‌های سیاسی و مدنی اساساً نباید فعالیت سیاسی، بیان عقیده، اعتراض مسالمت‌آمیز و مطالبه حقوق شهروندی جرم‌انگاری شود. بنابراین، در روزهای بحرانی میهن عزیزمان که ماشین کشتار و اعدام سرعت گرفته است از همه مردم شریف ایران فارغ از هر عقیده، گرایش سیاسی، قومی یا مذهبی، دعوت می‌کنیم با امضای این پتیشن مخالفت خود را با اعدام، با هر عنوان اتهامی، اعلام کرده و از حق حیات، کرامت انسانی و عدالت دفاع کنند. همچنین خواستار بازنگری جدی در قوانین قضایی کشور، زیر نظر متخصصین و وکلای آزاده شوند.

نه به اعدام؛ آری به حق حیات

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

برای حمایت از این فراخوان، پتیشن را امضا و با دیگران به اشتراک بگذارید.



- ✗ غنی‌سازی آقا زاده‌ها و آیت‌الله‌ها ممنوع
- ✗ غنی‌سازی نیابتی‌ها ممنوع
- ✗ غنی‌سازی سپاه و سایر سرکوبگران ممنوع
- ✗ غنی‌سازی دم و دستگاه مذهب ممنوع

همه این غنی‌سازی‌ها در خدمت بقای
مشتی انگل و جماعتی مفت‌خور و زالو صفت است
که همیشه از خون ما تغذیه کرده‌اند.

یکپارچه اعلام کنیم:

تمام هزینه‌هایی که صرف فربه کردن حکومتی‌ها
و صرف ماشین سرکوب مردم و جنگ‌افروزی حکومت می‌شود،
باید صرف زندگی، بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش،
سلامت و رفاه مردم شود.

غنی‌سازی زندگی
خواست و شعار ماست!

کارگر کمونیست

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com